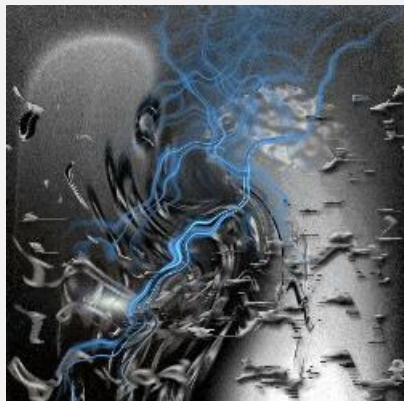


## توهم پنداشتن شر، شر است

شر در لغت به معنای بدی، زشتی و... در مقابل خیر به معنای خوبی، زیبایی و... به کار برده می‌شود اما برای دریافتن حقیقت معنای خیر و شر می‌توان از دقت در ویژگی‌های مشترک میان مصادیق آنها کمک گرفت...



شر در لغت به معنای بدی، زشتی و... در مقابل خیر به معنای خوبی، زیبایی و... به کار برده می‌شود اما برای دریافتن حقیقت معنای خیر و شر می‌توان از دقت در ویژگی‌های مشترک میان مصادیق آنها کمک گرفت.

مثلاً سلامتی، علم و امنیت از مصادیق واضح خیر و بیماری و جهل و ناامنی از مصادیق واضح شر محسوب می‌شوند. با دقت در مصادیق خیر و شر معلوم می‌شود عناصر مطلوبیت و عدم‌تребولیت از مقومات این دو مفهوم محسوب می‌شوند. بنابراین هنگامی که در رابطه با انسان واژه خیر و شر به کار برده می‌شود مراد از خیر، آن چیزی است که مطلوب انسان باشد و به عبارتی اگر چیزی با خواسته‌های انسان موافق باشد خیر و اگر مخالف بود آن را شر می‌نامند.

همچنین هنگامی که خیر و شر در مورد هر موجود ذی‌شعور به کار برده می‌شود باز «خیر» مساوی با شیء مطلوب آن موجود ذی‌شعور و «شر» مساوی با شیء نامطلوب آن موجود است. خلاصه آنکه این دو مفهوم از جمله مفاهیم فلسفی‌ای هستند که عقل آنها را از دیدگاه‌های معینی، از وجودهای خاصی انتزاع می‌کند. در دومین نشست الهیات و مسئله شر که از سوی گروه فلسفه دین و انجمن فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد سخنرانان به تبیین مسئله شر از دیدگاه‌های اسلامی و غربی پرداختند. گزارش ذیل چکیده‌ای از سخنرانی‌های این نشست است.

دکتر عبدالله نصری، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، نخستین سخنران این نشست بود که سعی کرد مسئله شر را براساس دیدگاه‌های علامه محمدتقی جعفری مورد بحث و بررسی قرار دهد.

دکتر نصری بر این باور است که علامه جعفری مسئله شر را براساس مسئله حیات تبیین می‌کند و بر این اساس بسیاری از مباحث را نمی‌توان با استدلال محض مورد بررسی قرار داد. مسئله شر نیز اینگونه است و باید دید علاوه بر استدلال از نقطه نظر اقلان نیز می‌توان این موضوع را بررسی کرد یا نه.

لذا در اینجا مسئله معنای زندگی نیز طرح می‌شود. بحث معنای زندگی از دهه 40 برای ایشان مهم بود و ایشان لااقل 3 اثر مهم در این زمینه نگاشته است. در بحث عدل الهی نیز علامه جعفری سؤال را ریشه‌یابی می‌کند و به این مسئله می‌پردازد که آیا طرح پرسش همه انسان‌ها در این رابطه یکسان هست یا نه؟ و آیا این مسئله به تفکر، ذهنیت و روحیات اشخاص ارتباط دارد یا ندارد. علامه در بحث عدل الهی و مسئله شر تفکر، ذهنیت و روحیات اشخاص را مؤثر می‌داند.

مسئله شر برای ایشان سه ضلع خدا، انسان و جهان را شامل می‌شود. خداوند آفریدگار انسان و جهان است، بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که اگر خداوندی را که قادر مطلق و خالق انسان و جهان است در نظر بگیریم چرا شرور را از بین نمی‌برد. در ضلع دوم یعنی جهان این بحث مطرح می‌شود که شرور را چگونه باید تعبیر کرد.

در مورد ضلع سوم یعنی انسان مسئله در 2 بعد مورد نظر قرار می‌گیرد؛ یکی شریایی که مربوط به خود انسان است مثل معلولیتی که انسان می‌تواند به آن مبتلا شود و دیگری خود انسان مد نظر است که می‌خواهد به تجزیه و تحلیل بپردازد. بنابراین انسان خودش درباره مسئله شر پرسش می‌کند و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد. مهم‌ترین نکته در اینجا این است که ما چه تصویری از خدا داریم. علامه همواره روی این نکته تأکید می‌کرد که مشکل بسیاری از متفکران غربی این است که تفسیر درستی از خدا ندارند. نکته مهم در اینجا این است که در مسئله شرور هیچ‌گونه غرض‌ورزی‌ای در کار نبوده است.

دکتر سید صدرالدین طاهری، دیگر سخنران این نشست بود که شر را از دیدگاه شیخ‌الرئیس ابن‌سینا مورد بحث قرار داد. دکتر طاهری منبع مورد استنادش و موضوع شرور در فلسفه ابن‌سینا را فصل ششم از مقاله نهم الهیات شفا دانست و در این باره گفت: ابن‌سینا از این مسئله ذیل عنوان «171#& عنایت الهی» بحث می‌کند. وی سپس تذکر می‌دهد که مسئله شر مربوط به عالم ماده است چرا که ما نسبت به عالم غیرماده دیدگاهی نداریم. به نظر ابن‌سینا مسئله شر در جایی مطرح می‌شود که عالم قوه باشد؛ یعنی چیزی استعداد رفتن به هر یک از دو طرف مقابل ممکن را داشته باشد وگرنه اگر چیزی وجود مطلق باشد مسئله شر مطرح نخواهد شد.

ابن‌سینا به 2 نوع شر وجودی و شر عدمی اشاره می‌کند. نابینا بودن شر عدمی است و فرد فقط درک می‌کند که بینایی ندارد اما در شر وجودی مثل شریک بد، 2 چیز درک می‌شود؛ یکی وجود شریک و دیگری بد بودن یک شریک. از نظر ابن‌سینا کوری صورت خیر ندارد که وی آن را شر عدمی بالذات می‌داند اما شرور عدمی وجود دارد؛ مثل ندانستن فلسفه، حساب یا هندسه که در واقع نفی کمالات ثانوی محسوب می‌شود.

ابن‌سینا می‌گوید منظور ما در واقع عدم‌هایی است که در طبیعت ملحوظ می‌شود و اگر چیزی شامل آن شود آن چیز ننگ می‌شود. از سوی دیگر شری که متوجه اشخاص می‌شود اقلی است و این اقلی بودن به این معناست که اولاً افرادی که دچار شر می‌شوند تعداد کمی هستند و در ثانی این شر در فرد هم اقلی است اما ابن‌سینا بر این نکته نیز تأکید می‌کند که وجود شر ضروری و ناگزیر است.

دکتر قاسم پورحسن، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، سومین سخنران نشست الهیات و مسئله شر بود که درباره مسئله شر در حکمت اشراق و سهروردی سخنرانی کرد. وی نیز سخنانش را با اشاره به کتاب تلویحات سهروردی آغاز کرد و گفت: این کتاب 4 فصل دارد و با عنوان 4 مورد است که در 120 صفحه نگاشته شده است. در مورد الثالث، سهروردی درباره تعریف شر بحث کرده و تعریف ابن سینا را طرح می‌کند. وی سپس تقسیمات پنج‌گانه در فلسفه اسلامی در این باره را طرح می‌کند. نکته سوم درباره حیوانات و مسئله شر و نکته چهارم درباره امکان و عدم مسئله شر است. سهروردی همچنین از بحث تضاد و شر سخن می‌گوید و سپس شر را در شخص می‌داند و نه در نوع. نکته دیگر این است که سهروردی شر را از ممکنات می‌داند.

وی معتقد است که شر وجود دارد اما به آن می‌گوید شر جزئی که در واقع شر کثیر و ناگزیر است و ما نمی‌توانیم آن را از بین ببریم. سهروردی در پرتونامه در فصل هشتم و نهم نیز از شر بحث می‌کند و به موضوع قضا و قدر و خیر و شر می‌پردازد و این اشکال ابن سینا در شفا و پاسخ وی را می‌آورد و این سؤال را طرح می‌کند که چرا خداوند شر را در عالم قرار داده است. نکته دیگر که باید مورد توجه قرار داد نظام احسن عالم است که سهروردی می‌گوید کامل‌تر از این عالم ممکن نبوده است.

سهروردی در حکمه‌الاشراق، کوشیده است همه آرا درباره شر را مورد بحث قرار دهد. فارابی و ابن سینا تذکری را درباره مسئله شر طرح کرده‌اند بدین گونه که آیا شر واقعا توهم است؟ فارابی در تعلیقات و ابن سینا در شفا عنوان می‌کنند که هر کس قائل به این باشد که شر توهم و پندار محض است این امر خودش شر است. سهروردی در حکمه‌الاشراق جانب شر جزئی را می‌گیرد. وی مسئله عدم‌ذات و عدم‌کمال را که دو شرط مهم در نگاه نیستی‌انگارانه به شر است رها می‌کند و به شر جزئی می‌پردازد.

من معتقدم که سهروردی نخستین فیلسوفی است که در حوزه فلسفه اسلامی برای مسئله شر دلیل قیاسی مطرح می‌کند. همچنین در دیدگاه سهروردی مسئله شر بر 3 رکن استوار است؛ رکن نخست احسن بودن نظام عالم است. رکن دوم ملازمه شرور و خیرات است که سهروردی آن را می‌پذیرد اما آن را درون شر جزئی و شر قلیل قرار می‌دهد و شر را لازمه ظلمت و حرکت عنوان می‌کند. رکن سوم هم مساوقت خیر و شر با یکدیگر است.

آخرین سخنران این نشست دکتر عباس یزدانی، عضو هیأت علمی دانشگاه زنجان بود که به نظریه ریچارد سوئین برن در فلسفه شر پرداخت. دکتر یزدانی با اشاره به اینکه فیلسوفان دین شر را به 2 دسته شرور اخلاقی و شرور طبیعی تقسیم کرده‌اند، گفت: برخی فیلسوفان دین می‌گویند وجود شر با وجود خداوند به لحاظ منطقی سازگار نیست اما تقریر مهم دیگر مسئله شر، تقریری علیه وجود خداوند است. این افراد بر این باورند که مدعیات ادیان وحدانی با توجه به وجود شرور در عالم پذیرفتنی نیست؛ یعنی برخلاف تقریر نخست که مشکل منطقی محسوب می‌شد در اینجا نمی‌توان تبیینی خردپذیر را مطرح کرد.

نکته مهم دیگر این است که در یک تقسیم بندی کلی پاسخ‌های خداباوران به مسئله شر به 2 دسته تقسیم می‌شود؛ دسته‌ای از پاسخ‌ها صرفا دفاعیه هستند و دسته دیگر در حقیقت نظریه دادباورانه هستند؛ یعنی می‌خواهند بگویند چه دلیلی وجود دارد که شرور در جهان وجود دارد. بنابراین ما 2 دسته پاسخ به مسئله شر داریم که سوئین برن پاسخ دوم را طرح می‌کند. این فیلسوف معاصر انگلیسی نگرش مخالفان دادباوری را رد می‌کند و معتقد است که فقدان دادباوری شر می‌تواند دلیلی علیه وجود خداوند محسوب شود.

سوئین برن در کتاب مشیت الهی و مسئله شر خود بر این باور است که خدا جهان را به خاطر اهداف و اغراض بسیار متعالی آفریده است که برخی از آنها تاکنون محقق شده و برخی در حال تحقق است و برخی در آینده محقق خواهد شد. برخی از این اهداف نیک متوجه همه افراد است که سوئین برن آن را مشیت عام الهی می‌نامد و برخی متوجه افراد خاصی است که وی آن را مشیت خاص خداوند می‌نامد. وی با طرح این پرسش سوئین برن که چرا خداوند بعضی از اغراض متعالی خود را به تاخیر می‌اندازد، گفت: شر موجود در این دنیا برای رسیدن به برخی از این اهداف و اغراض خداوند ضروری است و این اهداف و اغراض آن قدر خوب هستند که بر این شرور می‌چربند.

یزدانی با اشاره به اینکه محور تئودیه سوئین برن بر اختیار استوار است خاطر نشان کرد: این شرور در جهان احتمالا در جهت تأمین خیر بزرگ‌تری است اما این سؤال مطرح می‌شود که این امر چگونه مطرح است؟ سوئین برن در کتاب وجود خداوند می‌گوید: اگر خداوند به طور معمول در گزینش‌های ما دخالت می‌کرد در این صورت ما مسئولیتی در قبال جهان و اعمال خود نداشتیم.

همشهری آنلاین- راضیه صادقی‌تبار